

تحلیل کهن‌الگویی نماد «پری» در خسرو و شیرین نظامی

علی دهقانی^۱

چکیده

طبق نظر یونگ کهن‌الگوها در ناخودآگاه جمعی از طریق نمادها ظهور می‌یابند. با بررسی افسانه‌ها و قصه‌های پریان می‌توان بین خودآگاه و ناخودآگاه که آبشخور اسطوره‌هاست ارتباط برقرار کرد. پریان نیروهای فرا طبیعی روح انسان را نمادین می‌کنند. پایداری مضامین پری در ذهن بشری نشان از قدرت عظیم و شگرف آن‌هاست که توانسته‌اند از ماقبل تاریخ به عصر جدید، سفر کنند و در لابه‌لای آثار قصه پردازان و شاعران به حیات خود ادامه دهند. نظامی به همه باورهای کهن دربارهٔ نماد پری آگاه بوده و به کمک آن توانسته نهانی‌های ناخودآگاه درون خود را که در قهرمان داستان، شیرین، نمود یافته است، توصیف کند. او در سایهٔ این نماد و با تخیلات شاعرانه، آنیمای درون خود را به تصویر کشیده است. سوئیهٔ مثبت پری در خسرو و شیرین، نشانگر روان تکامل یافته و به فردیت رسیدهٔ سرایندهٔ آن است. هماهنگی میان احوال و رفتار و نقش‌های «شیرین» نظامی با الگوهای باستانی شخصیت «پری» حاکی از موفقیت شاعر در وصول به هدف آگاهانهٔ اوست. پژوهش حاضر تصویرسازی نظامی را از کهن‌الگوی پری و تحول تدریجی مفاهیم آن در قالب داستان خسرو و شیرین نشان می‌دهد. تصاویر و مفاهیمی که بیان‌کنندهٔ راز بقای اسطورهٔ پری در زبان نمادین شاعران، تحت تأثیر ناخودآگاه جمعی بشر است. در این جستار ضمن طرح موضوع نقد کهن‌الگویی و بیان جایگاه نمادها در عرصهٔ آفرینش‌های هنری، به بررسی نماد پری در خسرو و شیرین نظامی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها

کهن‌الگو، نماد، ناخودآگاه جمعی، پری، شیرین، نظامی.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. a_dehghan@iaut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۶

مقدمه

پری موجودی وهمی ماورای طبیعی در اندیشه و باورهای مردم جامعه‌های کهن سنتی ایران است. پری در آغاز و در دوره تاریخ اساطیری ایران از ایزد بانوان باروری و زایش بود که در دین مزدیستا جنبه اهریمنی گرفت و به صورت موجودی فریبکار ناخجسته درآمد. از آن پس، رفته رفته در فرهنگ و ادب فارسی دوباره نقش نیک و منش بهی خود را بازیافت. در شعر فارسی، پری بیشتر در مقابل دیو قرار گرفته و سیمایی همچون فرشتگان یافته و نماد لطافت و کمال و زیبایی شده است. با بررسی افسانه‌ها و قصه‌های پریان و نمادها می‌توان بین خودآگاه و ناخودآگاه که آبشخور اسطوره‌هاست ارتباط برقرار کرد. این قصه‌ها حامل نمونه‌های ازلی و کهن الگوهایی است که هر کدام «می‌تواند در جامه نمادهای مختلف ظاهر گردد و این نمادها به نوبه خود می‌توانند مجموعه صورت‌های گوناگون تشکیل دهند و به شکل دسته‌های تصاویری به هم پیوسته در آیند» (ستاری، ۱۳۶۶: ۹).

کهن الگوها اشکال عهد عتیق و سنخ‌های باستانی هستند، اما به نظر یونگ «این اشکال تنها با گذشته مرتبط هستند، بلکه این تصاویر بویژه به دلیل آنکه محتوای ناخودآگاه جمعی را تشکیل می‌دهند تظاهرات ماهیت ساختاری خود روان محسوب می‌شوند و بنابراین تجلی قشر زیرین و جمعی روان بوده و میان تمامی انسان‌ها مشترک هستند. کهن‌الگوها عناصر دائمی ذهن ناهوشیارند که وجود آن‌ها نشان می‌دهد هر انسان متمدنی با وجود تحوّل بالای هوشیاری در وی، هنوز در عمیق‌ترین سطوح روان خود، انسانی باستانی است» (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

یونگ تصویر صورت مثالی را ناشی از مشاهده مکرر اساطیر و قصه‌های پریان در ادبیات جهان می‌داند که دارای نقش‌های معین هستند و در همه جا ظاهر می‌شوند. وی گفته «ما این نقش‌ها را در خیال‌پردازی‌ها، رؤیاها، هذیان‌ها و اوهام افرادی می‌بینیم که من آن را تصورات مثالی می‌خوانم. این تصورات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بر ما نفوذ می‌کنند و مفتونمان می‌سازند» (یونگ، ۱۳۷۱: ۴۰۶).

نظامی در منظومه خسرو و شیرین واژه پری و ترکیبات ساخته شده از آن را، پنجاه و شش بار به کار برده است. این منظومه به عشق‌بازی خسرو با شیرین، کنیزک ارمنی، اختصاص دارد. «همین کنیزک است که بعدها از زنان مشهور حرمسرای خسرو گردید، لیکن در خسرو و شیرین نظامی، شیرین شاهزاده‌ای ارمنی است. گویا این داستان از قرن چهارم تا دوره نظامی توسعه و تغییراتی یافته و با صورتی که در خسرو و شیرین می‌بینیم به نظامی رسیده است» (صفا، ۱۳۶۶: ۸۰۲).

نظامی به همه باورهای کهن درباره پری آگاه بوده و به کمک آن، نهانی‌های ناخودآگاه درون خود را بیان کرده است. بدین لحاظ بررسی نماد پری بر اساس نقد کهن‌الگویی، می‌تواند لایه تفسیری قابل توجه و تأملی از منظومه خسرو و شیرین را نمایان سازد؛ زیرا «اصل و پایه نقد کهن‌الگویی این است که کهن‌الگوها - تصاویر، شخصیت‌ها، طرح‌های روایی و درون‌مایه‌های نوعی و سایر پدیده‌های نوعی ادبیات - در تمامی آثار ادبی حضور دارند و به این ترتیب، شالوده‌ای را برای مطالعه ارتباطات متقابل اثر فراهم می‌آورد» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۴۰۱). هدف این جستار نیز بررسی جنبه نمادین و پری‌وار «شیرین» در منظومه خسرو و شیرین نظامی است، تا رابطه پنهانی و درونی شخصیت نمادین «شیرین» با نمودهای کهن‌الگویی «پری» را واکاوی کند.

نمادها و نمادهای کهن‌الگوی پری

الف) مفاهیم نمادین

افسانه‌های پریان یادگارهایی هستند از دوران‌های جان‌گرایی و توت‌پرستی که معمولاً بر رسوم کهن اعصار ماقبل تاریخ مانند جادو، شمنی‌گری و آدم‌خواری مبتنی می‌باشند و بازتاب آیین‌های بدوی هستند که در جهان امروز به فراموشی سپرده شده‌اند (ر.ک. برفر، ۱۳۸۹: ۵۹). اما مفاهیم نمادین آن‌ها همانند موارد زیر پایدار است:

۱. تضاد

پریان نیروهای فراطبیعی روح انسان را نمادین می‌کنند. ماهیت آنان ضدّ و نقیض است؛ یعنی در حالی که کارهای پست را به عهده دارند، قدرت‌هایی فراطبیعی دارند. آنان به نوزادان هدیه می‌دهند و می‌توانند از هوای رقیق، پدیده‌هایی مانند افراد انسانی، قصر و اشیای شگفت‌انگیزی پدید آورند. پریان، ثروت‌ها را توزیع می‌کنند. در هر حال قدرت ایشان، قدرتی صرفاً جادویی نیست، بلکه بیشتر، همانند ظهور ناگهانی امکانات پنهانی است (ر.ک. سرلو، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

۲. حرکت

در مفهومی کهن‌تر و در افسانه‌ها، پریان به شکل بافنده یا زنان رخت‌شوی ظاهر می‌شوند. آن‌ها عموماً سه تایی جمع می‌شوند و به وسیلهٔ دوک رشتهٔ سرنوشت انسان را می‌ریسند و بر قرقره می‌پیچند و در ساعت مقرر آن را می‌برند. حرکت سه تایی آن‌ها که فعالیتشان را شکل می‌دهد، نشانهٔ حرکت زندگی است. جوانی، میان‌سالی، پیری، یا تولد، زندگی و مرگ، که علم نجوم آن را بالا رفتن، به اوج رسیدن و پایین آمدن از مدار حرکت می‌خواند.

در ابتدا پری که آن را از جنس زن می‌دانستند، پیکی از عالم دیگر بود. اغلب به شکل پرنده، ترجیحاً، قو، سفر می‌کرد بعدها مفسران روحانی آن‌ها را به ارواح عاشقی تعبیر می‌کردند که به جست‌وجوی محبوب خود آمده‌اند (ر.ک. شوالیه، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

۳. آمیزش و باروری

در گزارش‌های روان‌شناسی، ناخودآگاه معمولاً به شکل مادینه و خودآگاه به شکل نرینه تجسم شده است. تلفیق خودآگاه، با ناخودآگاه (آمیزش زن- ایزد یا پری با پهلوان ...) در اسطوره‌های کهن مهربانانه تصویر شده که به خرسندی و باروری می‌انجامد و این به خاطر قدمت آن‌هاست. زمانی میان مردم و گیتی و نیز میان دو پاره جان انسان دوگانگی و ناهم‌داستانی اندک بود و به قول لوی برول مردمان از یک نوع همسانی و مشارکت عرفانی برخوردار داشتند. با گذشت زمان آمیزش و هم‌آغوشی مظاهر اساطیری فرجامی شوم پیدا کرد و اغلب به گزند و سرگشتگی و مسخ و گاه مرگ نرایزد و پهلوان که نماد خودآگاهی است انجامید.

بدین ترتیب انسان، سادگی و مردانگی پیشین خود را در اثر چیرگی تقواها و فضیلت‌های اخلاقی خودساخته از دست داد، در عین حال یاد مهربانی و نوازش‌های ناخودآگاه- که در پیکر نگاره‌های زنانه او را در آغوش کشیده بود- هنوز جانش را می‌سوخت. با بیم و شرم، نران ذهن خودآگاه را با پریان نفس خویش (ناخودآگاه) هم‌آغوش کرد و فرجام این چنین همسری ناشایست به ناچار به نژندی و رسوایی و دیوانگی کشید؛ لذا یونس اندر دهان ماهی شد، شیخ صنعان به خوک چرانی پرداخت و گرشاسب در اثر یک بار مهرورزی با پری به خواب هزار ساله رفت.

به عبارت دیگر چون راه‌های تلفیق و ارتباط میان خودآگاه و ناخودآگاه را حرامیان منطق و اخلاق گرفتند، برای برقراری تماس با روان نهفته و پری که تجسمی از آن است باید به جادو و افسون متوسل شد و به پری‌خوانی و پری‌داری پرداخت (ر.ک.: سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲).

۴. نقش‌ها

در قصه‌های تمام عالم، ایفای چند نقش که همواره همانندند، بر عهده پریان قرار گرفته است. به نوزادان خصایل یا صفاتی نیک یا بد می‌بخشند. اندیشه‌ها را با حدس و گمان در می‌یابند (افکار مردم را می‌خوانند) و قادر به پیشگویی هستند. (و این با پدیده‌های روشن‌بینی، دوربینی یا پیش‌بینی و پیش‌شنوایی که امروزه به خوبی شناخته شده است، مطابقت دارد). آدم‌ها، کاخ‌ها، خوان‌های گسترده رنگین پدید می‌آورند و اشخاص و اشیا را به صورت‌های گوناگون در می‌آورند. گنج و خواسته می‌بخشند. با توجه به این نکته که مال و گنج و جواهر، نماد معارفی محسوب می‌شوند که از راه کشف و شهود حاصل آمده‌اند، پری بخشنده مال و خواسته، نماد رمزی راهنما و آموزگاری است که نظرکردگان خود را یاری می‌دهد تا در ناخودآگاهی خویش که سرچشمه معارف تمامی ناپذیر است، نفوذ کنند (ر.ک.: دلاشو، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۶).

ب) نموده‌های کهن‌الگوی پری

۱. رابطه با آدمی

پراوازه‌ترین پریان، خواهران ته‌تیس (Thetis)، پریان دریایی‌اند که در سفر آرگونات‌ها دیده می‌شوند. در افسانه‌های یونانی از مرگ یا فرجام نافرخته بسیاری از نران و پهلوانان که دل‌باخته پری شده‌اند، سخن رفته است. «در اساطیر بابلی ایستر مردان ویلانی را که با او مهرورزی کرده بودند به صورت خرس و بوزینه و دیگر ددان در می‌آورد؛ و از این رو بود که گیلگمش عشق او را نپذیرفت» (مک‌کال، ۱۳۷۳: ۵۸). در بین‌النهرین، پریان به شکل بانوی دشت‌ها، سرچشمه‌ها، یا دریاها درآمد‌اند (ر.ک. سرلو، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

۲. دوگانگی شخصیت

زرتشت سه گروه پریان، گویان و کرپانان را نفرین کرده است که با وی بر سر ستیز بوده‌اند و دین بهی را نمی‌پذیرفته‌اند. «در بندهشن نیز، پریان در شمار جادوان و دروندان و یاران زیانکار اهریمنند» (کزازی، ۱۳۸۴: ۲۴۱). در ادبیات دینی فارسی میانه و در نوشته‌های پهلوی نیز پری از موجودات اهریمنی است، از نیروی جادو برخوردار است و می‌تواند هر آن که بخواهد نما و پیکر خود را تغییر دهد و به جامه‌های دیگر درآید تا پهلوانان را بفریبد و دام و دهشن مزدا را آسیب رساند.

از مجموعه اشاره‌های مربوط به پری در شاهنامه و کتاب‌های دیگر فارسی و افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه چنین برمی‌آید که در ایران دوره اسلامی پری موجودی زشت و ناخجسته نیست، بلکه به صورت نگار فریبای بسیار زیبایی پنداشته شده که از نیکویی و خوب چهری و حتی فر‌برخوردار است و «مثال و نمونه زیبارویی و به‌اندامی و فریبندگی است و گاه به سبب بهی و زیبایی و سود رسانیش به مردمان در مقابل دیو و اهریمن قرار می‌گیرد» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۰). یونگ افسانه‌های پریان را بازتابی از روان دوگانه بشری در طول اعصار می‌داند. او معتقد است افسانه‌های پریان محصول خود جوش و غیر تصنعی روان به شمار می‌روند که واقعیت‌های آن را بازگو می‌کنند (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۳۶).

۳. پیوستگی با آب

در اسطوره‌های ایرانی ارتباط پری با آب و دریا و باران شناخته شده است. در اشاره «گزیده‌های زاد اسپرم» پری‌ها از دریا برآمده، با آتش مقدس آذر برزین می‌ستیزند. در افسانه آبستنی دختران دوشیزه از تخمه زردشت، پریانی در دریاچه kāsāoya می‌زیند. آن‌ها بسان زن - ایزدان باروری و زایش، رحم زنان و دخترانی را که در گاهنبار معینی در آن دریاچه آب‌تنی کنند، پالوده و زایا می‌کنند.

آیین آب‌تنی در یونان باستان نیز مرسوم بود و در اساطیر یونانی زن- ایزدانی چون آفرودیت و هرا و آتنه، برای اینکه دوشیزگی پیشین خود را دوباره بازیابند، همه ساله با آیینی ویژه در چشمه‌سارهای معینی آب‌تنی می‌کرده‌اند.
۴. باشگاه و خاستگاه

در بسیاری از روایت‌های مردمی و نیز در ادبیات و نزد بسیاری از شاعران، پری باشنده‌ای ظریف و زیباست و خاستگاهی اثیری دارد. در برخی از قصه‌های مردمی، پری آدمیان را شیدای زیبایی خویش می‌سازد و در بسیاری از قصه‌ها انسان را یاری می‌دهد و به هیأت‌های مختلف نمایان می‌شود. در بعضی از مناطق ایران چشمه‌هایی به نام چشمه‌های پری وجود دارد و در بسیاری از قصه‌ها، انسانی قهرمان با دختر شاه پریان ازدواج می‌کند (ر.ک. هینلز، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

تحلیل نمودهای کهن‌الگوی پری در خسرو و شیرین نظامی

نظامی در منظومه خسرو و شیرین از واژه پری، بیست بار و از ترکیبات ساخته شده با آن در واژه‌هایی نظیر «پری‌رو، پری‌پیکر، پری‌رخ و ...» سی و شش بار استفاده نموده است (ر.ک.: نظامی، ۱۳۸۸). او به همه باورهای کهن درباره پری آگاه بوده و به کمک آنها، نهانی‌های ناخودآگاه درون خود را با بیان گهرا و ترکیبات بدیع نمایان می‌سازد.

۱. آنیمای نظامی

پری، آنیمای درون نظامی است که گاه از زبان او سخن می‌گوید و گاه از سوز جدایی او ناله سر می‌دهد. پری در شعر نظامی هنوز صفات و کنش‌های الهه-بانوان باستان را با خودش دارد و از ناخودآگاه جمعی وی خبر می‌دهد؛ پریانی که نماد عشق و جنون و تسخیر جان هستند.

در اساطیر، انسان موجودی دوبنی است و هیچ انسانی به طور کامل مذکر یا به طور کامل مؤنث نیست. «آنیمای (Anima) نفس مؤنث مرد، یعنی زن درون مرد است و آنیموس (Animus) نفس مذکر زن، یعنی مرد درون زن است. این دو، در خواب‌ها ظاهر شده، آدمی را اندرز گفته یا از اموری بر حذر می‌دارند» (سرانو، ۱۳۷۷: ۱۱۷). این وجه زنانه وجود مردان، در رؤیاها و تخیلات شاعرانه و آفرینش‌های ادبی تجلی پیدا می‌کند. نظامی با آفرینش اثر ماندگار و جاودانی خسرو و شیرین، آفاق از دست داده خود را در شخصیت شیرین جاودانه نموده است:

در این افسانه شرط است اشک راندن گلابی تلخ بر شیرین فشاندن
به حکم آنکه آن کم زندگانی چو گل بر باد شد روز جوانی
سبک رو چون بت قفچاق من بود گمان افتاد خود کآفاق من بود
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۵۶)

شیرین نظامی (پری درونش) خاستگاهی اسطوره‌ای دارد. فرسنگ‌ها دورتر، در میان کوه و بیشه که پای آدمیزاد به آن نرسیده، دیری پری‌سوز:

وز آنجا تا در «دیر پری سوز» پریدند آن پری رویان به یک روز
(همان: ۵۴)

این دیر، مینوی میناگونی است که در آن زمین و آسمان یکی می‌شود، جایی که اتحاد اضداد شکل می‌گیرد و دوگانگی از بین می‌رود. به اعتقاد یونگ وحدت و اتصال بین عناصر دوگانه وجود، انسان را در راه رسیدن به فردیت یاری می‌کند. یونگ دوقطبی بودن هر فرد آدمی را که یکی هم‌جنس اوست و دیگری تصویر آرمانی جنس مخالف؛ جایگزین سائقه‌های جنسی «نهاد» بنا بر آموزه‌های فروید- می‌کند (ر. ک: یونگ، ۱۳۷۲: ۱۷). شیرین با قدم گذاشتن به دیر پری‌سوز در جست و جوی نیمه گم شده خود و به دنبال رسیدن به فردیت و کمال می‌باشد.

۲. باشندۀ شهر آرمانی

اندیشه آرمان‌شهری پیشینه‌ای به قدمت جامعه بشری دارد (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۵). روی آوردن تصور شهر آرمانی از دیار اسطوره‌ها به قلمرو اندیشه‌ها، در پرتو دست‌یابی انسان به خرد و دانش بوده است. نظامی با طرح اندیشه‌های آرمانی بر محور عدالت و ظلم‌ستیزی، علاوه بر جستجوی سعادت فردی و اجتماعی، نظام‌های حاکم را نیز با محک آن می‌سنجید. نظامی از آرمان‌شهر شیرین حرف می‌زند که فقط زنان در آنجا حکومت می‌کنند. زن چنین شهر آرمانی نیز فرد معمولی نبوده، بلکه از آدمیان برتر است. شیرین، حکمران اقلیم ارمن، پری پیکر است و خدمتکاران وی نیز مثل خودش پری‌زادند:

یکی گفت ارمن است آن بوم آباد که پیکرهای او باشد پری‌زاد (نظامی، ۱۳۸۸: ۲۲۸)
 پری رویان کز آن کشور امیرند همه در خدمتش فرمان پذیرند (همان: ۴۸)
 اگر حور بهشتی هست مشهور بهشت است آن طرف و آن لعبتان حور (همان: ۴۶)
 پری‌چهره بتان شوخ و دل‌بند زخال و لب سرشته مشک با قند (همان: ۳۴۲)

هم امیر و هم کنیزان زیباروی آن شهر آرمانی مثل حوران بهشتی باکره هستند و با هیچ مردی وصلت نمی‌کنند. برای همین است که خسرو وقتی وصف شیرین را از زبان شاپور می‌شنود، از شاپور می‌خواهد که تحقیق کند که آیا شیرین، داد در دل دارد، یا می‌خواهد با آدمیزاد پیوند کند:

نظر کردن که در دل داد دارد سر پیوند مردم زاد دارد (همان: ۴۷)

به جفت مرغ آبی، باز کی شد؟ پری با آدمی دمساز کی شد (همان: ۷۴)

۳. باکرگی

باکرگی مضمونی کهن الگویی دارد تا جایی که روح را باکره‌ای می‌دانند که آماده دریافت نطفه الهی است. گزیده‌های زاداسپریم به دختران باکره‌ای اشاره می‌کند که در گاهنبارهای معینی از سال برای آبستنی از تخمه زرتشت در دریاچه پریان آب‌تنی می‌کردند (ر. ک: سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۸). بزرگ‌ترین خدای بانوی سلتی نیز دو جنبه باکرگی و مادری را در اختیار دارد. باکرگی یکی از شرایط اصلی قدرت برتری یک زن جنگجوست و مادری وابسته به جوهر الوهیت زنانه است. پس از هر تولد مادر دوباره باکره می‌شود (شوالیه، ۱۳۸۸: ۵۶).

دگر ره بود پیشین رفته شاپور به پیش آهنگ آن بکران چون حور

(نظامی، ۱۳۸۸: ۵۳)

شاید به خاطر توجه به سنت‌های اخلاقی حاکم بر جامعه و یا با مراجعه به ناخودآگاهی جمعی بشر، نظامی به باکرگی اهمیت فراوان می‌دهد و آن را محور اصلی داستان قرار می‌دهد. باکرگی مانند رازی می‌شود که قهرمان اصلی داستان برای حفظ آن سال‌ها رنج و سختی و دوری از وطن و رهایی تاج و تخت را به جان می‌خرد.

۴. زیبایی

شیرین به قدری زیبا است که پری نیز با آن همه زیبایی و فریبایی به او رشک می‌برد:

بگو ای دولت آن رشک پری را که باز آور به ما نیک اختری را

(همان: ۲۹۶)

پری علاوه بر زیبایی و فریبایی، آرزوی آدمیان را نیز برآورده می‌کند و آن‌ها را به سعادت و خوشبختی می‌رساند. زیبارویان در ادبیات به ماه یا پری تشبیه می‌شوند. نظامی ماهرانه این هر دو صفت را برای شیرین یک‌جا می‌آورد:

پری پیکر برون آمد ز خرگاه چنان کز زیر ابر آید برون ماه
(همان: ۳۱۰)

شیرین در زیبایی همانند نور است:

پری رخ را بسان پاره نور سوی آن خوابگاه آورد شاپور
(همان: ۲۸۹)

شیرین پری چهره از روی مهر و دلدادگی مثل عیاران به خسرو عرض خدمت و بندگی می‌کند:

چو عیاران سرمست از سر مهر به پای شه در افتاد آن پری چهر (همان: ۳۱۰)

۵. پیوستگی با آب

شیرین پری چهره همراه کنیزان پری‌وش خود به گشت و گذار در صحرا و کوهستان و کنار آب رفته، به عیش و شادخواری می‌پردازند. صحرا و کوه به عنوان جایگاه و باشگاه پریان شناخته شده است. «سلسله انساب پریان در اصل به زمین-مادر می‌رسد. اما جریانی تاریخی بنا بر ساز و کاری خاص، آن‌ها را از سطح زمین به عمق آن فرو برده، جایی که پریان، در روشنایی‌ها، روح آب‌ها، و نباتات دیده می‌شوند. محل ظهور پریان، به وضوح خاستگاه آنان را نشان می‌دهد. آنان اغلب روی کوه‌ها، نزدیک گودال‌ها و سیلاب‌ها، یا در اعماق جنگل‌ها، نزدیک غارها و لجه‌ها، در دودکش‌ها و یا در کنار رودخانه خروشان یا کنار چشمه‌ها ظاهر می‌شوند» (شوالیه، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

پری پیکر چو دید آن سبزه خوش به می بنشست با جمعی پری‌وش
در آن چشمه که دیوان خانه کردند. پری را بین که چون دیوانه کردند
(نظامی، ۱۳۸۸: ۵۴)

ویژگی اصلی پری در دوره اساطیری باروری و برکت است؛ به همین جهت بنا بر نظر قدما پریان در کنار چشمه‌سارها که منبع و مظهر جوشش و غلیان آب است زندگی می‌کنند. نه تنها بلوغ جسمانی، بلکه روحانی فرد هم به پریان بستگی دارد. پری یکی از جلوه‌های خدایان کهن و بغ‌بانوان بوده است. زنی اثری و پنهان در طراوت چشمه‌ها یا وجودی مه‌آلود و گریزان در جنگل و بیشه و چاه (ر.ک. لاهیجی، ۱۳۷۱: ۲۹۱).

و گـر بود او پری دشوار باشد پری در چشمه‌ها بسیار باشد (نظامی، ۱۳۸۸: ۷۴)
پری را هم دل دیوانه جوید در آبـادی نـه، در ویـرانـه جوید
همانا کان پری روی فسون سنج در آن ویرانه زان پیچیده چون گنج (همان: ۳۰۰)
در آن چشمه که دیوان خانه کردند پری را بین که چون دیوانه کردند (همان: ۵۴)

در اسطوره‌های ایرانی، پری‌ها از دریا در می‌آیند و با آتش مقدس آذر برزین به ستیزه برمی‌خیزند (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۲). آب، در نگاه آیینی و اجتماعی، اصل و حامل حیات و نماد جهانی حاصل‌خیزی و باروری است. از رسیدن به چشمه جاودانگی یکی از عناصر اندیشه عرفانی دیده می‌شود.

۶. چالاکي

پری نه تنها در زیبارویی بلکه در چالاکي و سرعت سیر نیز زبانزد است:

و ز آنجا تا در «دیر پری سوز» پریدند آن پری رویان به یک روز
(همان: ۵۴)

هم شیرین در پوشیدن لباس و سوار بر اسب شدن مثل پری به سرعت و چالاکی عمل می‌کند، هم شب‌دیز چنان سرعت عملی دارد که می‌تواند پری را بگیرد و از تندی و تیزی در چشم دیو فرو رود:

برون آمد پری رخ چون پری تیز قبا پوشید و شد بر پشت شب‌دیز
پری را می‌گرفت از گرم خیزی به چشم دیو در، می‌شد ز تیزی
(همان: ۷۱)

۷. نهانی و ناپیدایی

پری نه تنها سریع و چالاک است، به چشم نیز نمی‌آید. پریان همواره خود را به شیوه نوبت به نوبت مانند کسوف نشان می‌دهند، هر چند که در موجودیت خود جاودان باقی می‌مانند. از این تناوب در تجلی، می‌توان آن‌ها را هم‌سان با تجلی ناخودآگاه دید که گاه به گاه است (ر.ک. شوالیه، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

و ز آنجا چون پری شد ناپیدار رسیدند آن پری رویان پری‌وار
(نظامی، ۱۳۸۸: ۵۴)
مگر ماهی تو یا حور ای پری‌وش که نزدیک نباشد آمدن خوش
(همان: ۲۵۱)

پری به آسانی می‌تواند آدمیان را بازیچه دست خود قرار دهد و به چشم نیز نیاید:

بگفت این در، پری برمی‌گشاید پری زین سان بسی بازی نماید (همان: ۵۳)
پری رویا نهان می‌داری اسرار سخن در شیشه می‌گویی پری‌وار (همان: ۵۸)
دوستی ورزیدن پری نیز پنهانی است:

همان بهتر که با آن ماه دلدار نهفته دوستی ورزم پری‌وار (همان: ۱۶۴)
با این توصیف‌ها، باید دوستدار او نیز با وی پنهانی عشق ورزد:
به کس نتوان نمود این داوری را که خسرو دوست می‌دارد پری را
(همان: ۷۴)

اما چنین زیبارویی را به راحتی نمی‌توان به چنگ آورد:

مرا زیمن کار کامی برنخیزد پری پیوسته از مردم گریزد (همان)

خسرو آرزو می‌کند که کاش سلیمان می‌بود و زبان پریان را می‌دانست چون این کار فقط از دست سلیمان ساخته است و بس:

سلیمانم ببايد نام کردن پس آن گاهی پری را رام کردن (همان)
چو گفت این قصه بیرون رفت چون باد سلیمان‌وار با جمعی پری‌زاد (همان: ۶۸)
رابطه سلیمان و پری در شعر فارسی بی‌سابقه نیست:

گر سلیمان نه ای به دیو دلی در پری خانه چون وطن کردی
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۰۳)

۸. دوگانگی شخصیت

«در پارسی، پری واژه‌ای پسندیده و نیکوست و وارونه‌ی دیو و نمونه‌ای برترین از زیبایی و دل‌آرایی، اما در اوستا پریان چهره‌های نکوهیده و بنفرین دارند و جاندارانی فریفتار و زیان‌بارند» (کزازی، ۱۳۸۴: ۲۴۱). رابطه (تقابل) پری با دیو در این بیت به خوبی نمود یافته است:

گر این شوخ آن پری‌رخ را ببیند شود دیوی و بر دیوی نشیند
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

پری هم در چشمه‌ها و هم در ویرانه‌ها یافت می‌شود، افسون‌کار است، دیوانه‌ها با پریان در ارتباط هستند. این دوگانگی و دو وجهی در چهره پری با نظریه تضاد یونگ مطابقت دارد. یونگ در پیچیده‌ترین مناسبات روانی انسان، شالوده اساسی را همین کنش و واکنش میان تضاد می‌داند. تضاد سعی در رسیدن به توازن یا تعادل دارند. اینجا با تبدیل یک عنصر نهایی به ضد خود رو به رو هستیم، یعنی فرایندی که یونگ آن را گردش تضاد می‌نامد. این گردش بین ماهیت‌های متضاد، در سطحی از کمال به وحدتی می‌انجامد که لازمه حیات است (ر.ک. اوادینیک، ۱۳۷۹: ۷۷).

۹. افسونگری

پری‌زدگی باعث دیوانگی شخص می‌شود. رابطه پری با افسون و رؤیا و دیوانگی از دیدگاه روان‌شناسی مذهب و اساطیر امری طبیعی است. «شارستان باورهای دینی و افسانه‌ای بر بوم نفس و روان آدمی استوار است. شهرپور خدا و ملکوت او برون از ما نه، بلکه چنانکه در "عهد جدید" آمده در درون ماست» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۰). داستان سرگشتگی پادشاهان و پارسایانی که عاشق پریان هند شده‌اند و همچنین ارتباط پری‌ها با دیوانگی و جنون عشق در اساطیر هندی نیز بازگو شده است.

عشق شیرین چنان در دل و دماغ خسرو لانه کرده که او را دیوانه ساخته است. حتی اگر حور و پری نیز زیبایی او را ببینند، از جمالش دیوانه می‌شوند:

پری رویی که در دل خانه کرده دلم را چون پری دیوانه کرده
به بیداری دماغم هست رنجور کز اندیشه‌ام نمی‌گردد پری دور
و گر خسبم به مغزم برده‌د تاب پری وارم کند دیوانه در خواب
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۰۰)

اگر حور و پری ببیند جمالش پری دیوانه گردد از خیالش (همان: ۸۵)

پری (جن) را با اسفندسوزی دفع می‌کردند. کنیزان از شیرین می‌خواهند که از محل نخجیر دور شوند چون نخجیرگاه پری زده (پری‌زار) است. حتی کنیزان و خدمت‌کاران شیرین نیز از ماندن در آن صحرا ابا دارند، در حالی که خود، آتش آن آتش‌دان هستند:

پری‌زار است از این صحرا گریزیم به صحرای دگر افتیم و خیزیم
از آن مجمر چو آتش گرم گشتند سپندی سوختند و در گذشتند

(همان: ۵۲)

یونگ از دیدگاه نظریه روان‌شناسانه فردیت، پریان را، نمودی مستقل و گاه ناقص، از ویژگی‌های زنان ناخودآگاه می‌داند. از این رو چنین نتیجه می‌گیرد که آنچه پارسلسوس آن را قلمرو پریان می‌نامد، تقریباً با مرحله تکامل نیافته روند کسب

فردیت برابر است؛ مرحله‌ای که یونگ، آن را با اغواگری، ناپایداری، کثرت و فروپاشی مرتبط می‌داند (ر.ک. سرلو، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

نتیجه‌گیری

کهن‌الگوها اشکال عهد عتیق و سنخ‌های باستانی هستند که نقد و تحلیل آن‌ها، صور مثالی، نمادها، شخصیت‌ها، طرح‌های روایی و درون‌مایه‌های نوعی و سایر پدیده‌های نوعی ادبیات را در بر می‌گیرد. هر کهن‌الگو می‌تواند در جامه نمادهای مختلف ظاهر گردد و این نمادها می‌توانند مجموعه صورت‌های گوناگون تشکیل دهند و به شکل دسته‌های تصاویری به هم پیوسته در آیند.

با بررسی افسانه‌ها و قصه‌های پریان و نمادهای آن‌ها، می‌توان به ارتباط بین خودآگاه و ناخودآگاه پی برد. پریان نیروهای فراطبیعی روح انسان را نمادین می‌کنند. ماهیت آنان ضدّ و نقیض است؛ نماد لطافت و کمال و زیبایی هستند، و خاستگاهی اثیری دارند. پایداری مضامین پری در ذهن بشری نشان از قدرت عظیم و شگرف آنهاست که توانسته‌اند از قاره‌ای به قاره دیگر و از تمدنی به تمدن دیگر و از ماقبل تاریخ به عصر جدید، سفر کنند و در لابه‌لای آثار قصه پردازان و شاعران به حیات خود ادامه دهند.

نظامی به همه باورهای کهن درباره پری آگاه بوده و به کمک آن، نهانی‌های ناخودآگاه درون خود را با بیان گیرا و ترکیبات کم‌یاب در منظومه خسرو و شیرین به تصویر کشیده است. در این داستان که عشق بازی خسرو با شیرین، برادرزاده بانوی ارمن روایت می‌شود، پری درون نظامی در شخصیت شیرین نمود یافته است. پری در شعر نظامی هنوز صفات و کنش‌های الهه-بانوان باستان را با خودش دارد.

بررسی مفاهیم به کار رفته در خسرو و شیرین نشان می‌دهد که نظامی با استفاده از ناخودآگاهی جمعی به شکل ناخواسته و غیرمستقیم خصوصیات نگارینی، فریابی، تقابل با دیو، افسونگری، درآمدن به شکل‌های گوناگون، باکرگی، مسکن گزیدن در صحرا و کوهسار و چشمه‌سار و ویرانه، چابکی و چالاک‌ی شیرین را در نماد پری توصیف می‌کند. او با استفاده از تخیلات شاعرانه، انیمای درون خود را به تصویر کشیده، به این ترتیب آن را ماندگار نموده است. نظامی هم بر ساحری و افسونگری بیش از حد پری که موجبات دلربایی و دل‌شدگی آدمی را فراهم می‌آورد، تأکید دارد؛ هم به نیروی آفرینندگی و باروری که در پریان هست.

از سویه منفی و اغواگر پری در خسرو و شیرین خبری نیست و این نشانگر روان تکامل یافته و به فردیت رسیده سراینده آن می‌باشد. رابطه پری با افسون و رؤیا و دیوانگی از دیدگاه روان‌شناسی مذهب و اساطیر، امری طبیعی است. دوگانگی‌های شخصیت پری با نظریه اعداد یونگ مطابقت دارد. به طور کلی میان احوال و رفتار و نقش‌های موصوف «شیرین» نظامی با الگوهای باستانی مخصوص شخصیت «پری» هماهنگی آگاهانه احساس می‌شود.

منابع

۱. اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۲. ایاده، میرچا (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
۳. اوادینیک، ولودیمیر والتر (۱۳۷۹)، یونگ و سیاست، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نی.
۴. برفر، محمد (۱۳۸۹)، آینه جادویی خیال، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
۵. پالمر، مایکل (۱۳۸۵)، فروید، یونگ و دین، ترجمه دهگان‌پور و غلام‌رضا محمدی، تهران: رشد.

۶. خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۶۸)، دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار، چاپ سوم.
۷. دلاشو، مارگریت. لوفر (۱۳۸۶)، زبان رمزی قصه‌های پریوار، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
۸. دیچز، دیوید (۱۳۶۶)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران: آفاق.
۹. ستاری، جلال (۱۳۶۶)، رمز و مثل در روانکاوی، تهران: توس.
۱۰. ----- (۱۳۸۶)، مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، تهران: مرکز.
۱۱. سرانو، میگوئل (۱۳۷۷)، با یونگ و هسه، ترجمه سیروس شمیسا، تهران: بدیهه، چاپ دوم.
۱۲. سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)، سایه‌های شکار شده، تهران: قطره.
۱۳. سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: داستان.
۱۴. شوالیه، ژان و آلن گبران (۱۳۸۸)، فرهنگ نمادها، جلد ۳-۱، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران: فردوس.
۱۶. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، جلد ۴-۱، تهران: قطره.
۱۷. کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۸۴)، نامه باستان، تهران: سمت، چاپ سوم.
۱۸. لاهیجی، شهلا و همکار (۱۳۷۱)، شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ، تهران: روشنگران.
۱۹. مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۸)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراغ مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۲۰. مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳) اسطوره‌های بین‌النهرینی، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
۲۱. ناصرخسرو (۱۳۷۵)، دیوان اشعار، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: مک‌گیل.
۲۲. نظامی، الیاس بن محمد (۱۳۸۸)، خسرو و شیرین، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوار، چاپ دوم.
۲۳. واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷)، نهادهای اساطیری در شاهنامه فردوسی، تهران: سروش.
۲۴. هینلز، جان راسل (۱۳۸۹)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه و تألیف باجلان فرخی، تهران: اساطیر، چاپ سوم.
۲۵. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸)، چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، تهران: امیر کبیر.
۲۶. ----- (۱۳۷۱)، خاطرات، رؤیاها، اندیشه، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۷. ----- (۱۳۷۲)، جهان‌نگری، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.

